



ایرانشناسی در ژاپن

پدیدآورده (ها) : هیسائیه ناکانی شی؛ اسعدی، مرتضی
کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: نشر دانش :: مرداد و شهریور 1368 - شماره 53
از 14 تا 23

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/41040>

دانلود شده توسط : محمد علی دوبرحاوی

تاریخ دانلود : 23/04/1397

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

۱. مقدمه

● گرایشهای کلی

یکی از چشمگیرترین ویژگیهای مطالعات ایرانی در ژاپن، پیشقدمی دولت در این مطالعات است. دولت ژاپن مدت‌هاست که در ایجاد مؤسسات و اجرای برنامه‌هایی برای این گونه مطالعات پیشگام بوده است. انگیزه‌های مطالعه در باره ایران، خصوصاً در دهه ۱۹۳۰ م./۱۳۱۰ ه.ش.، تا حدودی سیاسی و استراتژیک بود. با این حال، از اواخر دهه ۱۹۶۰/۱۳۴۰ به این سو، سهم علایق و انگیزه‌های اقتصادی در این مطالعات بیشتر شد. ویژگی دیگر مطالعات ایرانی در ژاپن آن است که این مطالعات در چارچوب مطالعه درباره کل خاورمیانه دنبال شده است. به همین دلیل، در این بخش از مقاله درباره گرایشهای کلی در مطالعات خاورمیانه‌ای، و در بطن و متن آن، درباره گرایشهای کلی مطالعات ایران‌شناسانه در ژاپن، بحث خواهیم کرد. و درست‌تر آن است که این گرایشها را از نظر زمانی به سه دوره تقسیم کنیم: (۱) دهه ۱۹۳۰/۱۳۱۰ تا پایان جنگ دوم جهانی؛ (۲) دهه ۱۹۵۰/۱۳۳۰ تا پایان دهه ۱۹۶۰/۱۳۴۰؛ و (۳) سالهای دهه ۱۹۷۰/۱۳۵۰ تا کنون.

ایران‌شناسی در ژاپن*

نوشته هیسانه ناکانی شی
ترجمه مرتضی اسعدی



(۱) مطالعات خاورمیانه‌ای در ژاپن در دهه ۱۹۳۰/۱۳۱۰ آغاز شد. با این حال، در این دوره عمده توجه این مطالعات به مناطق مسلمان‌نشین داخل چین و جنوب شرقی آسیا معطوف بود. پیشروی نظامی ژاپن در شمال غربی چین و جنوب شرقی آسیا یکی از مهمترین عوامل انگیزاننده این مطالعات بود. «مؤسسه مطالعات اسلامی»، «مؤسسه شرق آسیا» و «جمعیت ژاپن و اسلام» در چنین حال و هوایی تأسیس شدند. بخش اسلامی وزارت خارجه ژاپن نیز در این ایام عمدتاً به مطالعه درباره سیاست خارجی و اوضاع اقتصادی مناطق مزبور می‌پرداخت. فعالیتهای این مؤسسات با ختم جنگ جهانی دوم خاتمه یافت. چند سال دیگر گذشت تا نوع جدیدی از مطالعات خاورمیانه‌ای (و ایرانی) در ژاپن تولد یافت.

(۲) در دهه ۱۹۵۰/۱۳۳۰ عصر جدیدی در مطالعات خاورمیانه‌ای ژاپن آغاز گردید. حاصل مطالعات محققان جوان، که بعضاً ملهم از جنبشهای ناسیونالیستی آسیا و افریقا بود، بتدریج انتشار می‌یافت. در همین ایام «مؤسسه اقتصاد آسیایی» تأسیس شد و نقش مهمی در پیشبرد این مطالعات ایفا کرد. هدف این مؤسسه آن بود که همکاریهای اقتصادی را میان ژاپن و کشورهای آسیایی تشویق و تسهیل کند، و کار عمده آن نیز شامل گردآوری آمارهای اساسی اقتصادی (راجع به کشورهای مورد نظر) و تجزیه و تحلیل این یافته‌ها و اطلاعات، می‌گردید.

(۳) با پیش آمدن بحران نفت در سال ۱۹۶۷ گرایش جدیدی در

مطالعات خاورمیانه‌ای (و ایرانی) ژاپن شکل گرفت. دولت ژاپن بنا به دلایل اقتصادی به تشویق مطالعات خاورمیانه‌ای برخاست. از آن پس محققان ژاپنی به کارهای گروهی و جمعی روی آوردند؛ درحالی که پیش از آن هیچ گونه مطالعه و تحقیق گروهی در این کشور انجام نشده بود. «مؤسسه (مطالعه) زبانها و فرهنگهای آسیایی و آفریقایی» اجرای نخستین پروژه گروهی را، تحت عنوان «مطالعه در باب اسلام‌گرایی و تجدّد در آسیا و آفریقا»، آغاز کرد. مخارج این تحقیقات از محل کمکی که وزارت آموزش و پرورش ژاپن برای تحقیقات علمی منظور می‌دارد، تأمین گردیده بود. حدود ۲۰۰ محقق با این پروژه همکاری می‌کردند، و نخستین نتایج این مطالعات در اوایل دهه ۱۹۸۰ به صورت مجموعه‌ای از گزارشهای تحقیقی انتشار یافت.

در زمینه مطالعات خاص ایرانی در ژاپن، گرایشهای مهمی قابل تشخیص است. علاوه بر برنامه‌هایی که دولت در این زمینه دارد، هر محقق نیز برای خود حوزه علاقه و اشتغال خاصی دارد. نخستین گرایش مهمی که در این زمینه مشهود بوده انتقال از حوزه مطالعه درباره آیین بودا به مطالعه درباره ایران است. برخی از محققانی که درباره متون مقدس بودایی مطالعه می‌کردند به اوستا نیز عنایت داشتند. وجهه نظر این گروه از محققان اساساً زبان‌شناسانه، و متأثر از مطالعات ایرانی در اروپا بوده است. این گرایش خصوصاً در اواخر دهه ۱۹۵۰ و دهه ۱۹۶۰ گرایش عمده اصلی در این مطالعات بوده است. گرایش دیگر ناشی از سنت مطالعه در تاریخ چین و نواحی همجوار آن است، که حوزه اصلی مطالعه در تاریخ شرق را تشکیل می‌داد. این گرایش عمدتاً بعد از اصلاحات امپراتور می جی (۱۸۶۸)، یعنی زمانی که چارچوب آموزش جدید در مطالعه تاریخی شکل گرفت، آغاز شد.

علی‌الخصوص مطالعه درباره خاندان یوان (Yuan, ۱۲۷۹-۱۳۶۸ میلادی) محققان ژاپنی را به مطالعه تاریخ سلطه مغول در چین و سرزمینهای همجوار رهنمون شد. این محققان اساساً از منابع چینی و مغولی استفاده می‌کردند، اما تدریجاً با استفاده از منابع فارسی، به جستجوی تعبیرهای جدیدی برخاستند. این امر باعث شد که علاقه و توجه برخی از ایشان به مطالعه در تاریخ ایران معطوف گردد. در چنین حال و هوایی بود که مطالعه درباره خاندان ایلخانان به صورت حوزه اصلی مطالعه در تاریخ ایران درآمد.

و بالأخره سومین گرایش نیز عبارت بود از پیدایش توجهی جدی به ایران عصر جدید، و خصوصاً به انقلاب مشروطه (۱۹۰۵ تا ۱۹۱۱). معطوف شدن توجه محققان ژاپنی به این حوزه بیشتر ناشی از آن بود که در ژاپن به منابعی، ولو محدود، در این زمینه

دسترسی داشتند. اروپاییان هم سابقه برخوردهای مذهبی با اسلام (و سرزمینهای اسلامی) داشته‌اند و هم از دیر باز متون و مخطوطات کهن فارسی را گردآوری می‌کرده‌اند. اما در ژاپن، برعکس اروپا، تحقیق درباره دوران جدید ایران، خصوصاً به لحاظ در دسترس بودن منابع مربوط به آن، بیشتر از همه دوره‌های دیگر ممکن بوده است. مطالعه درباره ایران عصر جدید نیز مبنایی برای مطالعه درباره ایران معاصر فراهم آورده است. بخصوص انقلاب اسلامی ایران باعث شد تا توجه بسیاری از محققان ژاپنی به مطالعه درباره ایران معاصر جلب شود. محققان ژاپنی در دوران انقلاب و بعد از آن تحقیقات ارزنده فراوانی در زمینه‌های مختلف مطالعات ایرانی انجام دادند.

● مؤسسات تحقیقاتی و دانشگاهی

مطالعات ایران‌شناسی از نقطه نظر ادبیات و علوم انسانی عمدتاً در دانشگاه مطالعات خارجی توکیو و دانشگاه مطالعات خارجی اوزاکا آغاز شد. و این امر اساساً بدان جهت بود که تحقیقاتی که در این دانشگاهها انجام می‌شد وجهه نظر زبان‌شناسانه داشت. نخستین برنامه‌های درسی زبان اردو و فارسی در همین دو دانشگاه به اجرا درآمد؛ و هر دوی این دانشگاهها در اوایل دهه ۱۹۱۰ بخش زبان هندوستانی دایر کرده بودند. دانشگاه مطالعات خارجی اوزاکا در سال ۱۹۶۱ و دانشگاه مطالعات خارجی توکیو بیست سال بعد از آن، بخش زبان فارسی تأسیس کردند. مطالعه درباره تاریخ ایران نیز در «بخش تاریخ شرق» دانشگاههای توکیو و کیوتو آغاز شد.

در ژاپن هیچ انجمن علمی و دانشگاهی علی‌حده‌ای اختصاصاً برای پرداختن به مطالعات ایرانی وجود ندارد، و مطالعات ایرانی در همان انجمنهایی انجام می‌شود که برای مطالعات خاورمیانه‌ای به وجود آمده‌اند. به طور کلی، اکثر این انجمنها به مطالعات شرقی همچون تاریخ باستانی منطقه بین‌النهرین و یا مطالعات چینی، مشغول‌اند. این اشتغالات یکی از وجوه عمده توجه جدی و سنتی محققان ژاپنی را در مطالعه تاریخ ایران منعکس می‌کند.

یکی از بزرگترین این انجمنها «انجمن ژاپنی مطالعات شرقی» است که در سال ۱۹۶۵ تأسیس شده است. ریاست



تشریفاتی این انجمن را برادر امیراتور (فقید) ژاپن بر عهده دارد، و به برکت حضور هموست که این انجمن از حمایتها و کمکهای مالی قابل ملاحظه دولت برخوردار است.

حکومت ژاپن در مورد مؤسسات تحقیقاتی بخصوصی توجه بیشتری نشان داده و گامهای اساسی در راه پیشبرد اهداف آنها برداشته است. مثلاً، پشتیبان و پشتوانه اصلی «مؤسسه اقتصاد خاورمیانه‌ای» که بعد از بحران نفت تأسیس شده، همانا اداره برنامه‌ریزی اقتصادی دولت ژاپن است. چنین جریانی بالطبع باعث شده که مطالعات خاورمیانه‌ای عمدتاً انگیزه‌ها و وجهه نظرهایی اقتصادی بیابد. در سال ۱۹۷۸ نخست وزیر وقت ژاپن، آقای فوکودا، به‌طور رسمی از چند کشور خاورمیانه‌ای دیدن کرد. هدف اصلی این دیدارها تحکیم مناسبات اقتصادی این کشورها با ژاپن، خصوصاً در زمینه تأمین واردات نفت، بود. با این حال، آقای نخست وزیر به خوبی می‌دانست که لازم است در جنب اهتمام به تحکیم پیوندهای سیاسی و اقتصادی، توسعه مبادلات فرهنگی فی ما بین را نیز جدی بگیرد.

در همان سال حکومت ژاپن چند هیئت فرهنگی به خاورمیانه اعزام کرد که یکی از آنها راهی ایران شد. از آن پس، موزه قوم‌شناسی ژاپن، که مدیر آن از اعضای همین هیئت فرهنگی اعزامی به ایران بود، به تشویق مطالعات خاورمیانه‌ای برخاست. در سالهای ۱۹۷۹ و ۱۹۸۰ یک طرح تحقیقاتی گروهی، تحت عنوان «بررسی ویژه در باب خاورمیانه و اسلام» زیر نظر موزه ملی قوم‌شناسی تدوین و اجرا شد. بخش ایرانی این طرح عمدتاً از تشیع و انقلاب اسلامی ایران بحث می‌کرد.

در پایان طرح مزبور، فکر تأسیس «انجمن مطالعات خاورمیانه‌ای» مطرح گردید. و در سال ۱۹۸۵ نخستین انجمن مطالعاتی برای محققانی که بیشتر به خاورمیانه توجه داشتند تا به «شرق»، تشکیل شد.

۲. ادبیات و علوم انسانی

● تاریخ باستان

محققان ژاپنی در این زمینه، از حیث انتخاب موضوعات و حوزه علایق تحقیقاتی، تحت تأثیر مطالعات ایرانی در اروپا بوده‌اند. مهمترین گرایش در این زمینه معمولاً مطالعه زبان‌شناسانه درباره‌ی سنه ایرانی بوده است. با این حال، در دهه ۱۹۷۰ گرایش دیگری نیز مشهود گردید. برخی از محققان ژاپنی کوشیده‌اند تا ثابت کنند که میان فرهنگ امپراتوری ساسانی و فرهنگ دوره آسوکا (Asuka، قرن ۷ میلادی) در ژاپن پیوندهایی برقرار بوده است. کتاب از تخت جمشید تا آسوکای آقای سه‌ایچو ماتسوموتو

(Seicho Matsumoto)، داستان نویس ژاپنی، در پیدایش این نظریه شاذ و غریب درباره تاریخ باستان ایران تأثیر داشته است. آقای ماتسوموتو و پرفسور گیکیو ای‌تو (Gikyo Ito) هر دو به این نظریه معتقدند که احتمالاً کسانی از زرتشتیان ایران در دوره آسوکا به ژاپن آمده بوده‌اند. اینان نظریه خود را بر این امر مبتنی کرده‌اند که در برخی از آثار و بناهای تاریخی ژاپن، مانند «پرده تاشوی تاریخی» که در موزه مشهور «شوسواین» (Shosoin) در نارا (Nara) نگاهداری می‌شود، عناصر و حروف و علائم فارسی به چشم می‌خورد. اما، واقع مطلب این است که شواهدی که ایشان بدان تمسک می‌جویند صرفاً نشان دهنده شباهتهایی میان دو فرهنگ است و نمی‌تواند چیز چندانی را ثابت کند.

پرفسور گیکیو ای‌تو و پرفسور آتسو اوجی آشیکاگا (Atsuji Ashikaga)، تحت تأثیر رهیافت ایرانشناسانه اروپایی، درباره دیانت زرتشتی تحقیقاتی کرده‌اند. مطالعات و تحقیقات ایشان درباره اوستا عمدتاً بر بررسی سنتی متون مقدس بودایی مبتنی بوده است.

● تاریخ قرون میانه

اکثر محققان ژاپنی‌ای که درباره ایران باستان مطالعه می‌کنند کارشان را با مطالعه در تاریخ چین آغاز کرده‌اند. و این تعلق خاطر اولیه، بعدها بتدریج باعث شده که توجه ایشان به آسیای مرکزی، به‌عنوان امتداد چین، جلب شود. به‌همین سبب است که بیشتر کارهای ژاپنیها درباره تاریخ ایران، رنگ و بوی مطالعه در تاریخ مغول را دارد.

پرفسور مینورو هندا (Minoru Honda)، که از طلایه‌داران و پیشقدمان مطالعه تاریخ ایران در ژاپن است، و پرفسور هیروتوشی شیمو (Hirotooshi Shimo)، هر دو به حکومت ایلخانان، بخصوص غازان خان، عنایت داشته‌اند. در پرتو تحقیقات پرفسور هندا برخی از زوایای تاریخ اصلاحات مالیاتی غازان خان روشن شده است. وی این نظریه را پیش نهاده است که یکپارچه کردن نظام اقطاع عامل بسیار مهمی بود که دست غازان خان را در اجرای اصلاحات مالیاتی مزبور باز کرد. چندی بعد، پرفسور شیمو



● تاریخ جدید و معاصر

تاریخ جدید و معاصر ایران را، با توجه به تعداد کتابها و مقالاتی که درباره آن منتشر شده است، می توان مهمترین زمینه مطالعات محققان ایرانیشناس ژاپن دانست. در محدوده تاریخ جدید و معاصر ایران نیز مهمترین موضوع مورد علاقه محققان ژاپنی، انقلاب مشروطه بوده است. ایرانیشناسان ژاپنی این انقلاب را آغاز ایران نوین می دانند، و لذا کوشیده اند تا ساختار اصلی و اولیه اوضاع کنونی جامعه ایران را در این دوره بیابند. با این وجه نظر، مهمترین موضوعاتی که مورد مطالعه و تحقیق قرار گرفته است عبارت بوده است از رهبری سیاسی، ساختار سیاسی، و گروههای سیاسی. ضمناً گفتنی است که نشریات و روزنامه‌های این دوره نیز به لحاظ نقش مهمی که در انگیزش سیاسی مردم داشته‌اند، فراوان مورد توجه و تحقیق بوده‌اند.

در سالهای اخیر علاوه بر تاریخ سیاسی، تاریخ اجتماعی-اقتصادی ایران جدید نیز توجه محققان ژاپنی را به خود جلب کرده است. یکی از زمینه‌های تحقیقاتی که بتازگی کشف شده، مطالعه در تاریخ اجتماعی شهرهایی نظیر تهران و اصفهان است. یکی از پیشگامان مطالعه در تاریخ سیاسی و دینی ایران پرفسور هیروشی کاگایا (Hiroshi Kagaya) است. نخستین اثر جامعی که از او درباره ایران منتشر شده (در سال ۱۹۷۵) تاریخ ایران جدید نام دارد. این کتاب با عرضه کردن تفاسیری بدیع در جنب تفاسیر محققان غربی، باب تازه‌ای را در مطالعه ایران جدید در ژاپن گشوده است. پرفسور کاگایا در این کتاب از اشغال تبریز توسط دموکراتها در سالهای ۱۹۰۸ و ۱۹۰۹ سخن گفته و گرایشها و مواضع سیاسی چندگانه روحانیان را در مقام رهبران عامه مردم توضیح داده است. وی ضمناً چشم انداز گسترده‌ای در توضیح حوادث تاریخی میان دو انقلاب ایران گشوده؛ و جهات و جوانب سیاسی و اجتماعی-دینی ساختار جامعه ایرانی را تجزیه و تحلیل کرده است. او خصوصاً اهمیت نقش علما و تقدیس امامزاده‌ها را در این میان نشان داده، و بر این نکته یا پدیده مهم تأکید کرده است که حکومت انقلابی ایران حمایت و پشتیبانی طبقه اجتماعی جدید جوانان نسبتاً کم سوادتر روستایی را، که پیش از آن هیچ‌گاه از جمله نخبگان سیاسی در تاریخ ایران به حساب نمی آمدند، نیز جلب کرده بوده است.

یکی از کارهایی که در پاسخ آثار پرفسور کاگایا و در مخالفت با نظریات او انجام شده تحلیلی است که پرفسور ماکوتو هاچیوشی (Makoto Hachioshi) از انقلاب مشروطه کرده است. وی نیز به نوبه خود برخی دیگر از نقاط تاریک و موارد مهم قیام تبریز را روشن کرده، و نشان داده است که حزب سوسیال دموکرات تبریز سیاست مستقلی داشته که آشکارا با سیاست

به تحقیق درباره «میانی اقتدار سیاسی غازان خان» پرداخت. وی می گوید که غازان خان گروههای عمده مغول را که هسته اولیه سپاه ایلخانان بودند از میان برداشت، و به جای آنان، نزدیکترین مورد اعتمادترین امرای خود، و یا برادران و اقوام ایشان، را از برخی قبایل خاص به اداره ایالات مختلف قلمرو ایلخانی گماشت. و همین امر، ساختار قدرت ایلخانی را دیگرگون کرد. پرفسور شیمو بر این اساس نتیجه می گیرد که غازان خان را بایستی مؤسس يك سلسله جدید دانست، نه صرفاً اعاده کننده قدرت خاندان ایلخانی.

برخی دیگر از محققان ژاپنی نیز در آثار خود به رابطه میان خاندان ایلخانی و دیگر خاندانهای حکومتگر هم عصر ایشان پرداخته‌اند. یکی از این آثار، مقاله «ایلخان و روم» [= یعنی آسیای صغیر] پرفسور کوزو ایتانی (Kozo Itani) است که طی آن رابطه میان سلطان نشین سلجوقی روم (یا آسیای صغیر) و اقتدار سلطان ایلخانی توضیح و تبیین شده است.

در مورد تاریخ صفویان نیز بایستی از سلسله مقالاتی که پرفسور ماساشی هاندا (Masashi Haneda) درباره این دودمان نگاشته است یاد کرد. وی درباره بدنه و هسته اصلی سپاه صفویه، که به اعتقاد او از ترکمنهای صحرائنشین و بیابانگرد تشکیل یافته بوده، تحقیق کرده است. او دولت صفویه را در اوایل پیدایش آن، دولتی بدوی و بیابانی می داند.

وی ضمناً درباره قورچیان (یا گروه محافظان) نیز بحث کرده و ایشان را از مهمترین عوامل تغییر در عنصر اصلی سیاسی سلسله صفویه دانسته است. او در یکی از مقالاتش این قول مشهور را که اصلاحات شاه عباس به زوال کلی قدرت قزلباشهای صحراگرد انجامید، رد کرده است. به اعتقاد او امرای قورچیان بعد از این اصلاحات، بخش عمده‌ای از قدرت خود را در ارتش قبيله‌ای صفویان از دست دادند، اما با دست یافتن به مقامات حکومتی ایالات، بخشی از این قدرت از دست رفته را باز یافتند. پرفسور هاندا در ادامه استدلالش می گوید که ادامه اقتدار و اهمیت قورچیان، باعث شده است که همه اروپاییانی که بعد از شاه عباس اول از ایران دیدن کرده‌اند گمان کنند که اصطلاح قورچی مترادف با قزلباش است. در حالی که بررسی منابع فارسی روشن می کند که قورچیان دسته خاصی از نظامیان در سپاههای قزلباشان بوده‌اند. وی آخر الامر این نظر را پیش می نهد که هدف اصلاحات شاه عباس آن بوده است که رژیم پیشین را، که مبتنی بر نیروی نظامی گروههای صحراگرد متحد بود، به يك دولت متمرکز تبدیل کند.



عالیرتبه، زمینداران، دلّالان و تجار غلات، و روحانیون بزرگ و برجسته‌ای که در کار انبار کردن غلات و داغ کردن بازار آن دست داشته‌اند» پدید آورده بوده‌اند.

بررسی‌های شهری در مطالعات ایرانشناسی در ژاپن زمینه‌ای کاملاً جدید است. تاکنون تنها به مطالعه تحولات اجتماعی دو شهر بزرگ تهران و اصفهان اهتمام شده است. پرفسور تسوتوموساکاموتو (Tsutomu Sakamoto) طی مقاله‌ای، درباره تحولات اجتماعی شهر تهران در اواخر قرن نوزدهم از لحاظ هجوم کشاورزان و روستاییان به این شهر، بحث کرده است. وی در این مقاله خانواده مستوفی را به‌عنوان نماینده و نمایانگر ساختار اجتماع قاجاری، مورد تجزیه و تحلیل قرار داده، و از آنجا که بنابر سرشماری سال ۱۸۶۸ میلادی ۲۰ درصد کل جمعیت تهران را طبقه خدمتگاران و غلامان و خواجهگان تشکیل می‌داده، توجه خاصی به پیشینه و اصل و منشأ خدمتگاران و خواجهگان این خاندان مبذول داشته است. به اعتقاد او ظهور این طبقه خدمتگاران را نمی‌توان منحصرأ به فقر و فقدان مهارت‌های حرفه‌ای نسبت داد، بلکه بایستی آن را بازتاب نیازهای اجتماعی-اقتصادی آن دوره دانست.

از همین مقوله، مجموعه مقالات پرفسور ساکاموتو درباره «میدان در اصفهان» نیز قابل ذکر است. تعلق خاطر عمده او به آن است که نحوه کار و کاسبی در بازار اصفهان قرن نوزدهم را روشن کند. وی در این مقالات درباره تحول نظام مبادلاتی و بازرگانی در اصفهان، بر حسب روابط متقابلی که میان کوچ‌نشینان و کشاورزان وجود داشته، نیز بحث کرده است.

پرفسور هیروماسا کانو (Hiromasa Kano) درباره «توسعه تهران و تحول اجتماعی در سیاست نوسازی شاه» تحقیق کرده است. وی معتقد است که تحول اجتماعی تهران نمایانگر تحولات شتابان دیگری بوده که در شهرهای کوچک نیز مشهود بوده است. به زعم او، شکاف میان غنی و فقیر مستقیماً با اشتغال در بخش‌های صنعتی جدید و یا بخش‌های سنتی معیشتی مربوط و مرتبط است.

● تاریخ اندیشه اسلامی

یکی از رهیافتهای سنتی که بر مطالعات محققان ژاپنی در این زمینه تأثیر گذاشته عنایت ضمنی به آیین بوداست. پرفسور ایزوتسو توشیهیکو (Izutsu Toshihiko)، به لحاظ روش‌شناسی خاصی که در فلسفه تطبیقی دارد، یکی از برجسته‌ترین محققان این زمینه است. به‌عنوان نمونه‌ای از آثار وی، می‌توان از مقالات «بررسی تطبیقی مفاهیم فلسفی اساسی در تصوف و داتویسیم» و «در طریق تدوین فلسفه ذن بودیسم» نام برد. پرفسور شیگرو

حزب سوسیال دموکرات قفقاز متفاوت بوده است. مقاله پرفسور هاچیشی تحت عنوان «مطالبی در باب سوسیال دموکراتها در ایام انقلاب ایران» را بایستی اثری مهم به حساب آورد. سایر موضوعات عمده مورد توجه محققان ایرانشناس ژاپنی در این محدوده تاریخی عبارتند از قیام‌های گیلان و آذربایجان بعد از جنگ جهانی اول. پرفسور ماسایوکی یامائوچی (Masayuki Yamauchi) در بسط و توضیح نظریات و تفاسیری که در مقاله «انقلاب روسیه و جهان اسلام (ترکیه، آذربایجان و ایران)» عرضه کرده، از منابع روسی استفاده برده است. وی در این مقاله رهبران مشکور را با رهبران حزب کمونیست آذربایجان و حزب کمونیست ایران مقایسه کرده، و تفاوت‌هایی را که در اهداف سیاسی ایشان وجود داشته نشان داده است.

بررسی روزنامه‌نگاری و روزنامه‌های اولیه ایران (که چنددهه قبل از انقلاب مشروطه نضج گرفته بوده) در سالهای دهه ۱۹۷۰ آغاز شده است. در این میان، پرفسور هاچیشی روزنامه انجمن را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و شوهی کوماکی (Shohei Komaki) به بررسی روزنامه قانون ملک‌خان پرداخته است. بررسی هیتوشی سوزوکی (Hitoshi Suzuki) از روزنامه اختر نیز قابل ذکر است. علاوه بر اینها، تاکو کورودا (Taku Kuroda) نیز روزنامه جنگل را مورد مطالعه قرار داده، و درباره رابطه این روزنامه با نهضت جنگل در گیلان بعد از جنگ اول جهانی بحث کرده است.

در زمینه تاریخ اجتماعی-اقتصادی ایران، پرفسور شوکو اوکازاکی (Shoko Okazaki) سهم قابل ملاحظه‌ای در توضیح و تبیین اوضاع اقتصادی ایران در اواخر قرن نوزدهم داشته است. یکی از آثار برجسته او در این زمینه مقاله‌ای تحت عنوان «قحطی بزرگ سالهای ۱۸۷۰ و ۱۸۷۱**» است (که به زبان انگلیسی است). وی در این مقاله استدلال کرده که علت اصلی وقوع این قحطی (برخلاف نظر مشهور) افزایش تولید محصولات غیر غذایی و تجارتنی نبوده است. او معتقد است که البته کشت و تولید محصولات غیر غذایی و تجارتنی افزایش یافته بوده، اما این افزایش آن اندازه نبوده که باعث کاهش فاحش تولید محصولات غذایی و غلات و حبوبات گردد. این قحطی را به زعم او «دیوانیان



ادبی از تعابیر و اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های عامیانه است، وجهه همت خویش ساخته است. وی تسلط دهخدا را در طنزآوری و فنون بلاغی نشان داده، و استفاده هوشمندانه و زیرکانه او را از «تعابیر کنایی» متون کهن، در انتقاد از مخالفان مشروطه، باز نموده است.

درباره صادق هدایت نیز پرفسور کوسوکو ناکامورا (Kosoku Nakamura) تحقیق و مطالعه کرده است. به عقیده او باورهای بودایی (مشربانۀ) صادق هدایت، و خصوصاً عقیده وی به تناسخ در گرایشهای گیاهخوارانۀ او و شفقتش نسبت به فقرا و حیوانات بازتابیده است.

۳. علوم اجتماعی

● مردم‌شناسی اجتماعی - اقتصادی

یکی از مهمترین انواع تحقیقاتی که محققان ایران‌شناس ژاپنی انجام داده‌اند تحقیقات مستقیم و بلاواسطه در روستاهای ایران است. در دهه ۱۹۶۰ کار دسته‌بندی و شناخت انواع نظامهای زراعی در ایران به پایان آمده، و مهمترین موضوعات مورد تحقیق در این زمینه، مسأله نظام مالکیت و اجاره‌داری اراضی کشاورزی بود. از دهه ۱۹۷۰ به این سو عمده توجه محققان ژاپنی این حوزه از ایران‌شناسی به بررسی اثرات اصلاحات ارضی شاه بر اقتصاد روستایی در ایران جلب شد. پرفسور موریو اونو (Morio Ono) که پیشگام چنین مطالعاتی بود، بیش از بیست سال از عمر خود را در روستاهای ایران به تحقیق و مطالعه در این زمینه‌ها گذراند. وی تحقیقات خود را در سال ۱۹۶۳ آغاز کرد و تا سال ۱۹۶۷ فعلاً نه در پنج روستای ایران کار کرد، و آنچه را که در این مدت یافته و دریافته بود در مجموعه مقالاتی تحت عنوان «پژوهشی در ساختار اقتصادی روستاهای ایران» منتشر کرد.

نخستین بخش از این مقالات به بررسی ای درباره روستای ساعتلو در آذربایجان اختصاص دارد؛ دومین بخش آنها به بحث درباره روستای بهجت‌آباد نزدیک اصفهان، و سومین و چهارمین بخش نیز به ترتیب به روستای خیرآباد در نزدیکی شیراز، و روستای ابراهیم‌آباد در نزدیکی نیشابور می‌پردازد. پرفسور اونو در کتابها و مقالات دیگر خود به توضیح نحوه عملکرد نظام مالک-رعیت در روستاهای ایران پرداخته است. وی جنبه‌های اجتماعی-نقشی را که مالک در این نظام ایفا می‌کرده، و نیز بردگی و بستگی اقتصادی رعیت را، تجزیه و تحلیل کرده، و نظام مالک-رعیتی (یا ارباب-رعیتی) را نوعی کنترل اکید و مع‌الواسطه رعیت دانسته است.

در اواخر دهه ۱۹۶۰ پرفسور اوکازاکی (Okazaki) پروژه

کاماتا (Shigeru Kamata) نیز همین راه را ادامه داده و به همین روش، مسأله «تناسخ از نظر ملاصدرا» را تجزیه و تحلیل کرده است.

پرفسور تاکامیتسو شیماموتو (Takamitsu Shimamoto) معتقد است که بررسی موارد متعدد بست نشستنها در قرن نوزدهم میلادی، بروشنی از رابطه نزدیک میان بست نشینی و اماکن مقدس و محترمی همچون امامزاده‌ها یا منازل شخصیت‌های بزرگ مذهبی، حکایت دارد. و لذا، قوت و حرمت هر بست نشستی عمدتاً به احترام و اعتبار شخصیتی که آستان و آستانه‌اش مامن بست نشین بوده است، در نزد عامۀ مردم بستگی دارد. دلمشغولی اصلی پرفسور تاکامیتسو شیماموتو آن است که جهات و جوانب اجتماعی و دینی تاریخ جدید ایران را در بیاید. وی در مقاله «درباره بست و بست نشینی» نیز عمده توجه خود را به بررسی این پدیده مذهبی در میان مسلمانان ایرانی معطوف کرده است. مقاله دیگر او درباره «مقام امام علی (ع)» حاوی بررسیهایی درباره نظریات گوناگون غربیها و مسلمانان درباره حضرت علی (ع) است، و در مطاوی آن بر نیاز به وحدت بخشیدن به دریافتهای اجتماعی، سیاسی، نظری و دینی از نقش حضرت علی (ع) در طول قرون و اعصار، تأکید شده است. این رهیافت چند جانبه قاعدتاً بایستی برای محققانی که می‌خواهند رهیافتهای سیاسی قدیم را با تعلق خاطر جدید ژاپنها به امر دین جمع کنند، مهم باشد.

● ادبیات

محققان ژاپنی‌ای که امروزه به مطالعه درباره ادبیات ایران مشغول‌اند، در ابتدا تنها به ترجمه آثار عمده‌ای از ادبیات کهن فارسی، همچون «گلستان»، «مجموعه اشعار حافظ» و «لیلی و مجنون»، علاقه و اهتمام داشته‌اند. در این میانه به ادبیات جدید ایران کمتر توجه شده است، و تنها معدودی از محققان ژاپنی به مطالعه آثار نویسندگان نخبه‌ای همچون جلال آل احمد و صادق هدایت پرداخته‌اند.

پرفسور موریو فوجی (Morio Fujii) تحقیق در سبک و واژگان و تعابیر علی اکبر دهخدا را، که در چرند و پرند پیشگام استفاده



تحقیقاتی تحلیلی را درباره نظام مالکیت ارضی و همه انواع دیگر بهره‌برداری از اراضی زراعی ایران، آغاز کرد. وی نظام زراعی ایران را برحسب تفاوت‌هایی که در نحوه و نظام مالکیت ارضی وجود دارد، به چهار دسته یا مقوله تقسیم کرده است: ۱) نوعی که در گیلان و مازندران معمول است؛ ۲) ترتیبیاتی که در گرگان و محوآلی آن رواج دارد؛ ۳) نوع متداول در «ارتفاعات و کوهپایه‌ها»؛ و ۴) شیوه‌های معمول در کشت و زرع کلان. وی معتقد است که نوع مالکیت در دو دسته نخست یکسان است، یعنی در آنها «اجاره‌دار ارضی زراعی در روستاها از حق دایمی و غیرمشروط اجاره‌داری بر زمینی که روی آن کار می‌کند، برخوردار است». با این حال، از لحاظ لایه‌بندی طبقاتی تفاوتی اساسی میان این دو دسته وجود دارد. پرفسور اوکاژاکی این سؤال را مطرح می‌کند که چرا تنها در منطقه گرگان لایه‌بندی طبقاتی قابل ملاحظه‌ای شکل گرفته است. خود وی معتقد است که این تفاوت را می‌توان ناشی از رواج کشت محصولات غیرغذایی و تجاری (مثل پنبه و آفتابگردان) در گرگان، و کشت محصولات غذایی در گیلان و مازندران دانست.

در مورد دسته سوم، پرفسور اوکاژاکی بر این عقیده است که تولیدکنندگان بلافصل محصولات کشاورزی در اداره ارضی مزروعی‌شان کاملاً آزادی نداشته‌اند، و علت آن که اصلاحات ارضی شرط اساسی و ضروری متحول شدن کل ساختار روستاهای ایران به حساب می‌آمده، همین نکته بوده است. وی در مورد دسته چهارم از انواع نظامات ملکداری نیز در مقاله «تحول شیوه‌های کشت و زرع کلان در ایران» تأثیر معتابه این نوع کشاورزی را بر اقتصاد ملی ایران بازنموده است. موفقیت آمیز بودن کشت پنبه در اراضی گرگان نه تنها امکان اشتغال عده افزونتری از کارگران کشاورزی را فراهم کرد، بلکه مالکان سایر استانها و مناطق ایران را نیز به سرمایه‌گذاری در زمینه کشت و زرع کلان تشویق نمود. و از این رهگذر، اقتصاد ایران از افزایش صادرات پنبه و تشکیل سرمایه سود فراوان برد. اما از سوی دیگر، و از نقطه نظر توسعه اقتصادی منطقه‌ای، مکانیزه کردن کشت و زرع در گرگان در نهایت شکاف موجود میان مزرعه‌داران ثروتمند و کشاورزان و رعیت‌های فقیر را بیشتر کرد.

در دهه ۱۹۷۰ بر پایه توفیقیاتی که تا آن زمان به دست آمده بود و ذکر آن در سطور اخیر گذشت، تحقیقات بیشتری در مورد روستاهای ایران به عمل آمد. پرفسور هارا (Hara) در مورد روستای فورک در شرق ایران، که اقتصاد آن مشخصاً بر پایه قرار و مدارهای تقسیم محصول میان مالک و اجاره‌دار اداره می‌شده، تحقیق گسترده و جامعی انجام داد. وی در تک‌نگاشت خود تحت عنوان «اقتصاد روستایی، کشاورزی، دامداری و قالیبافی»،

مهمترین ویژگیهای «نظام مالکیت ارضی کشاورزان» (یعنی نظامی که در آن هیچ‌گونه عامل واسطی وجود ندارد) را بررسی کرده و نقش مهم باغداری و قالیبافی را در گردش اقتصاد این روستا توضیح داده است. او تأکید کرده که قالیبافی و تولید زرشک دو رکن مهم اقتصاد این روستا هستند. علت تولید زرشک در روستای مزبور، افزایش شدید تقاضای آن از سال ۱۹۷۳ به این سو، و نیز بازدهی نازل کشت گندم و برنج در این روستا بوده است. بهر حال، مازاد حاصل از این رهگذر همچنان به شیوه سنتی در اراضی و شبکه‌های آبیاری که برای کشت حبوبات ایجاد شده است، سرمایه‌گذاری می‌شود.

پرفسور گوتو (Goto) نیز درباره مزارع ایران تحقیق و مطالعه کرده است. توجه او بیشتر به بررسی تأثیر آبیاری در بهره‌وری کشاورزی در منطقه مرودشت معطوف بوده است. وی می‌گوید که اصلاحات ارضی در ایران واحد اداره کشاورزی را از قلعه (یعنی روستای تحت کنترل مالک یا ارباب) به اجتماعات دهقانی (یا خرده‌مالکی) تغییر داد. و ظهور موتورهای آب در کشاورزی ایران باعث شد که این واحدهای اداره کشاورزی در گروه‌های کوچکی از همسایگان نزدیک هم در اجتماعات دهقانی متبلور گردد.

گوتو در مقاله «ساختار مزرعه‌داری بعد از اصلاحات ارضی» خود نتایج اصلاحات ارضی را در منطقه مرودشت باز هم بیشتر کاویده است. او در مقاله دیگر خود، تحت عنوان «کشاورزی و نظام آبیاری در ایران» گفته است که اگرچه با اصلاحات ارضی نظام ارباب-رعیتی برچیده شد، اما این به‌تنهایی برای سامان دادن به وضع مالکیت ارضی کافی نبود. ادامه مالکیت مشاع مانع استقلال کشاورزان بود و لذا جلو افزایش تولید را می‌گرفت. وی معتقد است که در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ رکود کار نظام بینه یا کار گروهی نشان دهنده تمایل دهقانان به کسب استقلال فردی بیشتر بود. اما سیاست حکومت مبنی بر ایجاد تعاونیهای زراعی، که بسیاری از کشاورزان اجاره‌دار را به کارگران کشاورزی بدل می‌کرد، مانع از آن شد که این تمایلات و تلاشها به‌جایی برسند. و این از مهمترین عوامل دخیل در تطوّر سیاستهای کشاورزی ایران در دهه ۱۹۷۰ بود.

● تحقیق درباره قنات

پرفسور کوهوری (Kohori) که از اعضای گروه تحقیقات باستانشناسی ایران و عراق در دانشگاه توکیو است، از پیشگامان مطالعه در باب نظامات و شبکه‌های آبیاری و قنات (در ایران) بوده، و دو اثر تحقیقی، تحت عناوین «قنات در ایران»، و «بررسی آبیاری در غرب آسیا از نظر جغرافیای انسانی» نگاشته است. محقق ژاپنی دیگری که در این زمینه تحقیقاتی کرده پرفسور اودا (Oda) است. پرفسور اودا، پرفسور سوئهوو (Suewo)، و پرفسور اوچی (Ochi) نتایج تحقیقات خود را در سال ۱۹۶۷ در گزارشی تحت عنوان «کشاورزی و روستاهای زراعی در غرب آسیا» عرضه کردند. این گزارش حاوی نتایج مطالعات و تحقیقات ژاپنیها در ۱۰۵ روستای ایران است؛ و عمدتاً حول محور تقسیم‌بندی روستاها برحسب نحوه آبیاری و نظام کشت و زرع تنظیم و تدوین یافته است.

از دهه ۱۹۷۰ به این سو چندان کار اساسی‌ای در ژاپن درباره قناتهای ایران انجام نشده است. در این سالها، پرفسور اوکازاکی مدخل و معرفی‌ای بر آثار دکتر جواد صفی‌نژاد (استاد دانشگاه تهران) درباره اصل و منشأ قنات‌ها، کای‌ها (یا آشکال پیشینی قنات) و نحوه حفر و احداث قنات، نوشته است. و علاوه بر آن، یکی از «جمعیت‌های تحقیقاتی و دانشگاهی» تحت نظر وزارت آموزش (ژاپن) نیز با مشارکت مؤسسه خاکشناسی ایران از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۵ درباره شبکه‌های آبیاری ایران تحقیق و مطالعه می‌کرد.

۴. باستانشناسی

پیش از پایان جنگ جهانی دوم محققان ژاپنی تحقیقات و کاوشهای عملی را در ایران آغاز کرده بودند. یکی از مهمترین آثار آنی که در این زمینه منتشر شده مجموعه گزارشهای «هیئت باستانشناسی دانشگاه توکیو در ایران و عراق» است که کار خود را در سال ۱۹۵۶ تحت نظارت وزارت آموزش ژاپن آغاز کرده بود. تحقیقات و کاوشهای این هیئت تا سال ۱۹۷۸ ادامه یافت. این هیئت در ده سال نخست فعالیت‌های خود از ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۵، عمدتاً به حفاری مقابر باستانی ناحیه دیلمان ایران مشغول بود. قدمت بعضی از این مقابر به عصر مفرغ (هزاره دوم قبل از میلاد) تا اوایل عصر آهن (هزاره نخست قبل از میلاد) می‌رسید. در سال ۱۹۶۵ این هیئت در طاق‌بستان، در نزدیکی کرمانشاه (یا باختران) در شمال غربی ایران، دست به کار تحقیقاتی در زمینه تاریخ هنر شد. نتایج این تحقیقات در یک مجموعه گزارش مصور دو جلدی، که تاکنون گزارشی جدی‌تر از آن منتشر نشده است، انتشار یافت. هیئت باستانشناسی ژاپنی

دیگری نیز در سال ۱۹۷۵ به تحقیقاتی از طریق تصویربرداری از نقوش برجسته طاق‌بستان پرداخت. و بعد از این تحقیقات، یک سلسله گزارشها و مقالات تحلیلی در این زمینه انتشار یافت. یکی از این گزارشها عبارت بود از «طبقه‌بندی و بازسازی طرحهای منسوجات در نقوش شکار گراز در طاق‌بستان».

در سالهای ۱۹۷۶ تا ۱۹۷۸ هیئت باستانشناسی ژاپنی دیگری در ویرانه‌های شاه‌پیر در حلیمه‌جان و رمه‌زمین در دره شهران در گیلان تحقیقات گسترده‌ای به عمل آورد، و نیز تحقیقاتی تکمیلی در نقوش طاق‌بستان انجام داد. تجزیه و تحلیل گسترده‌تر نتایج تحقیقات این هیئت احتمالاً می‌تواند به بررسی تطبیقی هنرها در امپراتوری‌های ساسانیان، روم، بیزانس، و تانگ (Tang)، و نیز روشن‌تر شدن تاریخ روابط میان شرق و غرب، کمک کند.

در تاریخ هنر از قدیم‌گرایشی به مطالعه سفالینه‌های ایران، و به عبارت دقیق‌تر، مطالعه تطبیقی سفالینه‌های ایرانی و چینی، وجود داشته است. این گرایش و رهیافت بر مطالعه سنتی سفالگری و سفالینه‌های چینی استوار بوده است. یکی از شاخص‌ترین آثار آنی که در این زمینه انتشار یافته، «طرحها و تزئینات چینی در سفالینه‌های ایرانی» است. در این مقاله روابط فرهنگی میان ایران و چین در قرون وسطی باز نموده شده است.

۵. مطالعات ایرانشناسی بعد از انقلاب اسلامی

یکی از معتابه‌ترین بخشهای مطالعات ایرانشناسی در ژاپن، تحقیقات و بررسیهایی است که محققان ژاپنی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷/۱۹۷۹ در ایران به عمل آورده‌اند. ژاپنیها برای آمدن به ایران تنها به گذرنامه نیاز دارند، و قدر این وضع را به‌خوبی می‌دانند. علاوه بر این، روابط دوستانه و خصوصی‌ای که پرفسور اونو و دیگر محققان ژاپنی از سالهای دهه ۱۹۶۰ به این سو با بسیاری از ایرانیان یافته‌اند، اقامت در ایران و کارکردن در این کشور را برایشان راحت‌تر می‌کند. به همین جهات، از سال ۱۹۷۹ تاکنون چندین اثر ایرانشناسانه که مبتنی بر تحقیق و بررسی بلاواسطه در محل، یعنی در ایران، بوده، در ژاپن انتشار یافته است. این آثار عموماً حول محور دو موضوع دور می‌زنند: (۱) انقلاب اسلامی ایران، و (۲) اثرات اصلاحات ارضی بر اقتصاد روستایی ایران.

در زمره آثار مربوط به انقلاب اسلامی ایران، مهمترین کار همانا کتاب روزشمار انقلاب ایران پرفسور موریو اونو است که در سال ۱۹۸۱ انتشار یافته است. این «روزشمار» حوادث عمده‌ای را که در فاصله ۹ ژانویه ۱۹۷۸/۱۹ دی ۱۳۵۶ تا ۱۱ فوریه ۱۹۷۹/۲۲ بهمن ۱۳۵۷ روی داده است دربرمی‌گیرد. این کتاب بر سه منبع مبتنی است: (۱) کتابی که تحت همین عنوان

روستاییان شیراز در قبال انقلاب اسلامی» است.

ادامه این رهیافت ایرانشناسانه، که متضمن تلاش برای شناخت مردم ایران در جریان زندگی روزانه و از رهگذر تحقیق مستقیم و بلاواسطه است، در یک جلد از مجموعه کتابهای مردم در جهان اسلام (ویراسته تاکاشی میکی [Takashi Miki]) نیز مشهود است. در این سلسله کتابها بایستی از مقاله پرفسور کوچی کامیوکا (Koji Kamioka)، تحت عنوان «اعتقادات دینی مردم ایران» یاد کرد. وی در این مقاله بر اهمیت توجه به ادبیات عامیانه، آداب و عادات، و نیز آیینها و عیاد و تشریفات محلی، در یافتن تصوّر واقعی تر و ارائه تصویر زنده تری از دین اسلام نزد ایرانیان، تأکید کرده است.

در زمینه تأثیر انقلاب اسلامی در روستاهای زراعی ایران، اثر اکیرا گوتو (Akira Goto) تحت عنوان «انقلاب اسلامی ایران و روستاهای زراعی» گوشه‌هایی از تحولات اجتماعی و اقتصادی در روستاها را باز نموده است. وی اصلاحات ارضی را به‌خاطر آنکه باعث پیدایش انبوه روز افزونی از خوش‌نشینان (یعنی روستاییان بی‌زمین) گردیده که ناگزیر از مهاجرت به شهرها شده‌اند، به باد انتقاد گرفته است. وی از واکنشهای گوناگون کشاورزان نسبت به انقلاب اسلامی، بسته به طبقه اجتماعی- اقتصادی متفاوتی که به آن تعلق داشته‌اند، نیز سخن گفته است.

تحلیلها و ارزیابیهای گوتو از اقدامات جهادسازندگی و کمیته‌ها (ی‌جلوگیری از حرکت‌های ضد انقلابی) قابل توجه است. به عقیده او جهادسازندگی از سال ۱۹۷۹/۱۳۸۵ تا ۱۹۸۱/۱۳۶۰ نقش اساسی و مهمی در کارهای زیربنایی، همچون احداث حمامهای عمومی، مدارس ابتدایی، درمانگاهها، راهها و جاده‌ها، ایفا کرده است. تحقیقات او درباره آنچه در جمهوری اسلامی ایران به اصلاحات ارضی اسلامی موسوم شده و نیز درباره فعالیت‌های هیأت واگذاری زمین، به انتقاد از تحولات بعدی اقتصاد اسلامی راه برده است. وی توضیح می‌دهد که تصمیمات و اقدامات اصلاحات ارضی اسلامی در مجلس شورای ملی (اسلامی) طرح و تصویب نمی‌شده است و دلیل آن که هیأت واگذاری زمین نیز نتوانسته است کمک مهمی به انجام اصلاحات اساسی در نحوه مالکیت ارضی بکند، همین امر است. و، بنا بر این معنا، اقتصاد اسلامی که شعار حکومت انقلابی بوده هنوز تحقق نیافته است.

محققان ژاپنی کارهای قابل توجهی در زمینه گردآوری کتابشناسی‌هایی درباره ایران کرده‌اند. این توجه بایسته، ناشی از این تلقی درست در میان محققان ژاپنی است که تدوین کتابشناسی‌ها پایه و اساس هر گونه تحقیق اساسی است. از جمله

روزشمار انقلاب ایران توسط لاله بختیار تهیه و تنظیم و به زبان فارسی (در ایران) منتشر شده بود. پرفسور اونو این روزشمار را که ملخصی از مقالات روزنامه آیندگان (۹ ژانویه ۱۹۷۸/۱۹ دی ۱۳۵۶) به قلم محمد جعفر بود، به زبان ژاپنی ترجمه کرد؛ (۲) گزارشهایی که از مجموعه Keesing's Contemporary Archives استخراج شده و به صورت روزشمار مرتب گردیده است. این گزارشها (مانند بقیه گزارشهای «آرشیو کیسینگ») بر منابع خبری غربی ای همچون نیویورک تایمز، خلاصه خبرهای رادیوهای جهان (Summary of World Broadcasts) از انتشارات تشکیلات رادیویی بی‌بی‌سی انگلیس، و نشریه آلمانی Der Tagesspiegel چاپ برلن، مبتنی است؛ (۳) یادداشتهای شخصی خود پرفسور اونو، که از ۱۳ مه ۱۹۷۸/۲۳ اردیبهشت ۱۳۵۷ تا ۲۶ مارس ۱۹۸۰/۶ فروردین ۱۳۵۹ در ایران به سر می‌برده است. تأکید عمده وی در این یادداشتها بر ثبت جریاناتی است که در روستاهای ایران دیده است. از این رو، کتاب پرفسور اونو در مجموع حاوی و نشان‌دهنده سه نوع توصیف مختلف از انقلاب اسلامی ایران است- توصیف ایرانی، توصیف غربی، و توصیف خود او و به این معنا، این کتاب نشان‌دهنده تصویری متوازن و جامع از انقلاب اسلامی ایران است.

کتاب دیگر پرفسور اونو تحت عنوان روزشمار ایران که در سال ۱۹۸۵ انتشار یافته، جامعترین اثر او درباره روستاهای ایران (و بویژه روستای خیرآباد) است. توجه عمده این کتاب به زندگی روزانه مردم ایران پیش از انقلاب و واکنش ایشان در قبال انقلاب اسلامی، معطوف است. تماس ۲۲ ساله پرفسور اونو با ایرانیان به او اجازه داده است که نظرهای خاصی درباره ایران بیابد که مبتنی بر درک عینی و بلاواسطه زندگی روزمره این مردم است. وی می‌گوید که بعد از اصلاحات ارضی بتدریج از شدت کنترل و نظارت کدخدایان بر دهقانان کاسته شده است. و این جریان باعث از هم گسستن همبستگی میان روستاییان و از هم پاشیدن نظامات تعاونی موجود میان مزرعه‌داران و دهقانان گردیده است. نظامات اجتماعی- اقتصادی مزبور را قدرت دولت و الزامات زندگی روستایی بر مزرعه‌داران و دهقانان تحمیل کرده بود. بعد از انقلاب، این دو گروه از سیطره چنان کنترلی رها شدند. اما، از آنجا که مردم ایران به نظامات مزبور عادت کرده بوده‌اند، خصوصاً بعد از زوال این نظامات، بتدریج دچار احساس بیگانگی از جامعه گردیده‌اند.

کتاب مطالعه در باب انقلاب (اسلامی) ایران پرفسور اونو در سال ۱۹۸۲ انتشار یافت. این کتاب به جریانات مربوط به گروه‌های چپی و کردها بعد از بیروزی انقلاب اسلامی نیز عنایت داشته، و از جمله مقالات قابل اعتنای آن یکی هم «واکنش

این دو اثر کتابشناختی برای تحقیقات و مطالعات بعدی بسیار مفید خواهند بود.

۶. خلاصه کلام

سابقه مطالعات ایرانشناسی ژاپنیها، در مقایسه با پیشینه اروپاییها و امریکاییها در این زمینه، کم و کوتاه است. با این حال، مطالعات ایرانشناسانه در ژاپن در سه دهه اخیر سریعاً پیش رفته است. محققان ژاپنی از اواخر دهه ۱۹۷۰ بتدریج بر آن شده‌اند که به وابستگی و اتکای خودشان بر تفاسیر غربی فایق آیند و روش‌ها و رهیافت‌هایی خاص خود بجویند. این تحول پیش از هر چیز مدیون افزایش نوشته‌ها و کتابشناسیهای فارسی قابل دسترسی در ژاپن، خصوصاً در دهه ۱۹۸۰، بوده است. در ثانی، انتقال کانون توجه مطالعات ایرانشناسی ژاپنیها از تاریخ سیاسی و اقتصادی ایران به تاریخ اجتماعی ایران، باعث گسترش حوزه مطالعه و روش‌شناسی ایشان گردیده و این رشته را وسعت بخشیده است. علاوه بر این، بررسیهای شهری و تحقیقات بلاواسطه و حضوری در روستاهای ایران با استفاده از روشهایی انجام می‌شود که محدودیتهای تحقیق از طریق منابع مکتوب را ندارند.

اکثر محققان ژاپنی انقلاب اسلامی ایران را کلاً بر پایه ایدئولوژی اسلامی آن، که مخالف ایدئولوژی رژیم «سرکوبگر» پیشین بوده، ارزیابی کرده‌اند. و با این حال از دستاوردهای حکومت انقلابی ایران، خصوصاً در زمینه اصلاحات اجتماعی، نیز انتقاد کرده‌اند. این گرایش را می‌توان در نظر منفی محققان ژاپنی نسبت به اقدامات جهادسازندگی [ظاهراً بعد از سال ۱۹۸۱/۱۳۶۰] و هیأت واگذاری زمین، به روشنی دید.

برای پیشبرد مطالعات ایرانشناسی در ژاپن در آینده، لازم است که بر داد و ستدها و ارتباطات ایشان با محققان غربی افزوده شود، تا محققان ژاپنی بتوانند تفاسیر و نظریات خود را با آنچه ایشان پیش می‌نهند مقایسه کنند و مآلاً به جایگاه خود در عرصه جهانی وقوف بیابند. تشویق ترجمه هر چه بیشتر آثار از سایر زبانها به زبان ژاپنی و یا بر عکس، نیز برای تأمین این مقصود مفید خواهد بود.

* این مقاله نیز از همان منبعی برگرفته و ترجمه شده است که دو مقاله «ایرانشناسی در لهستان» و «ایرانشناسی در شوروی» (در شماره‌های اخیر نشر دانش) از آن ترجمه شده بود. خانم هیسانه ناکانی شی، نویسنده این مقاله، دانشجوی دوره دکترای تاریخ دانشگاه کالیفرنیا در لوس آنجلس (UCAL) است، و قرار است تز دکترای خود را درباره تاریخچه فکری - فرهنگی زنان شیعی در ایران و پاکستان بگذراند.

** این مقاله به فارسی ترجمه شده و مشخصات کتابشناسی آن چنین است: اوکازاکی، شوکو: «قحطی بزرگ سال ۱۲۸۸ در ایران». ترجمه هاشم رجب زاده. آینده، سال دوازدهم، شماره ۱، ۳ تا ۲۸، فروردین تا خرداد ۱۳۶۵، صص ۲۸ تا ۴۱

آثاری که از این دست اخیراً درباره ایران منتشر شده می‌توان از کتابشناسی عمومی ژاپن درباره ادبیات فارسی (The Japan General Bibliography for Persian Literature، ۱۹۸۵) و کتابشناسی ایران عهد قاجار (۱۹۸۵) نام برد. کتابشناسی نخست حاوی مشخصات همه کتابها و نشریات فارسی موجود در مؤسسات دانشگاهی و تحقیقاتی ژاپن است؛ و کتابشناسی دوم نیز فهرستی از همه منابع مربوط به ایران عهد قاجاریه به زبانهای غربی، فارسی و ژاپنی، عرضه کرده است.

در زمینه آنچه در خلال انقلاب اسلامی و در دوره بعد از انقلاب منتشر شده است، توئیو بونکو (Toyo Bunko)، از همکاران «کتابخانه شرقی» (توکیو) کتابها و جزوات گوناگونی را که در ایران درباره انقلاب اسلامی انتشار یافته، جمع‌آوری کرده است. این کار از نوامبر ۱۹۷۹/آبان ۱۳۵۸ تا سپتامبر ۱۹۸۰/شهریور ۱۳۵۹ که ایران جلوگیری از انتشار نشریات و جزوات گروههای چپ را آغاز کرد، ادامه داشته است.

توئیو بونکو قریب به هزار کتاب را، که اینک در همان کتابخانه در دسترس‌اند، دسته‌بندی و فهرست کرده است. این کتابها شامل ۱) آثار امام خمینی و آیت الله طالقانی؛ ۲) آثار مربوط به متفکرانی که در شکل‌گیری چارچوب نظری انقلاب اسلامی سهمیم بوده‌اند؛ ۳) آثاری که درباره گروهها و سازمانهای ضد رژیم (مانند مجاهدین خلق، فدائیان، و حزب توده) منتشر می‌شده؛ و ۴) آثاری که درباره لیبرالها، همچون مهندس بازرگان، بنی‌صدر و دکتر مصدق، انتشار یافته، است. دو کتابدار ژاپنی، یعنی ایوامی (Iwami) و سکی (Seki) فهرستی توصیفی از همه این کتابها و جزوات، جز آنها که در کتابشناسی دلبلیو. اچ. بن (W.H. Behn) و فلور (Floor) توصیف و معرفی شده‌اند، تهیه و منتشر کرده‌اند. یکی از محققان جوان ژاپنی، به نام شوئی کوماکی (Shohei Komaki)، بر اساس اطلاعاتی که طی اقامتش در ایران از اکتبر ۱۹۸۲/مهر ۱۳۶۱ تا نوامبر ۱۹۸۵/آبان ۱۳۶۴، کسب کرده، مدخلی بر آنچه از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون (۱۹۸۶) درباره تاریخ ایران عصر جدید انتشار یافته، نوشته است.

پرفسور اوکازاکی نیز اخیراً چند اثر کتابشناختی منتشر کرده که برای مطالعه در زمینه‌های تاریخ اجتماعی - اقتصادی ایران بسیار مفید و مهم‌اند. در یکی از این کتابشناسیها، تحت عنوان «کتابشناسی آثار مربوط به ایران در دوره بین دو جنگ» (۱۹۸۶)، مکاتبات عمومی محفوظ در وزارت خارجه انگلیس، و نیز گزارشهای اداری خلیج فارس که در کتابخانه دیوان هند نگاهداری می‌شود، فهرست شده است. اثر مهم دیگر از این دست عبارتست از «مدخلی بر اسناد وزارت خارجه انگلیس درباره تاریخ اجتماعی - اقتصادی ایران قرن نوزدهم» (۱۹۸۶).

